



تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۳/۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۵/۱۵

بررسی و مطالعه برج - مقبره های قرن ۸ و ۹ ه.ق در مازندران نمونه موردی: معرفی مقبره شمس آل رسول آمل

حسین راعی*

چکیده

موضوع پیش رو در واقع عنوان پژوهش میدانی بوده است که در حدود یک دهه گذشته، بیش از ۳۰ مقبره در استان مازندران را مورد بررسی قرار داده و هدف اصلی آن، علاوه بر مطالعات تطبیقی، رسیدن به مبانی نظری مناسب برای حفاظت و مرمت مقابر مازندران بوده است. نگارنده پس از بررسی، برداشت و مستندسازی این آثار به نکات قابل توجهی رسیده است که می تواند در حفاظت و مرمت این آثار راهگشا بوده که به عنوان راهکار در این گزارش آمده است. این بناها در گستره جغرافیایی غرب تا شرق مازندران و درحوزه های اقلیمی کوهستانی، جنگلی و جلگه ای قرار دارند و به بخشی از تاریخ سیاسی و مذهبی منطقه به ویژه قرن ۸ و ۹ هجری قمری اشاره دارند که در اسناد مختلف به صورت کلی نام و نشانی از آنها برده شده است.

بسیاری از این آرامگاه ها، مدفن و مشهد امامزادگان هستند. اهالی منطقه علاوه بر مقابر امامزادگان و سادات مرعشی، آرامگاه های بسیاری برای نیاکان خویش ساختند که برخی از آنها تاکنون برجای مانده است. با آمدن صفویان و رشد مذهب تشیع، معماری تدفینی ایران به مقام های مذهبی اختصاص یافت و ساخت مقابر فرمانروایان جای خود را به ساخت مقابر مذهبی و مقدس داد. قجراها در این زمینه به بازسازی، مرمت و توسعه برخی مقابر و آرامگاه ها در مازندران پرداختند و الحاق معروف مستطیل شکل^۱ را به مقابر قرن ۸ و ۹ هجری قمری اضافه نمودند و در سال های پس از قاجار (دوران پهلوی) مرمت و توسعه مقابر و آرامگاه ها در این منطقه بدون معماری خاصی ادامه یافت.

بنایی مانند مقبره شمس آل رسول آمل نمونه برجسته ای از صدها مورد مقبره شناخته شده در این مناطق است. این بنا در اراضی گنبدین آمل^۲ قرار گرفته و بسان سایر مقابر منطقه در اثر عوامل اقلیمی و انسانی دچار آسیب های فراوانی شده و تحت حفاظت و مرمت قرار گرفته است. رسیدن به مبانی نظری واحد برای رسیدن به تعادل پویا در این نوع مقابر، بخشی از نتایج مورد اشاره در این مقاله است.

کلید واژه ها: مقابر مازندران، دوره تیموری، آرامگاه های قرن ۸ و ۹ ه.ق، مصالح آجری و اندود گچی، مقبره شمس آل رسول آمل.

* کارشناس ارشد مرمت بافت های تاریخی، مدیر پایگاه میراث جهانی بیستون، معاون اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه (نویسنده مسئول).
hoseinraie@gmail.com

مقدمه

موضوع پیش رو در واقع عنوان مطالعه‌ای بوده است که در حدود یک دهه گذشته، درباره بیش از ۳۰ مقبره در استان مازندران صورت گرفته و وظیفه اصلی آن، علاوه بر مطالعات تطبیقی، رسیدن به مبانی نظری مناسب برای حفاظت و مرمت بوده است.

این ابنیه در گستره جغرافیایی غرب تا شرق مازندران و در حوزه‌های اقلیمی کوهستانی، جنگلی و جلگه‌ای قرار دارند. مقبره‌ها به بخشی از تاریخ سیاسی و مذهبی منطقه به ویژه در قرن ۸ و ۹ هجری قمری اشاره کرده و در اسناد مختلف به صورت کلی نام و نشانی از آنها آمده است.

موضوع مقابر به دلیل نوع زندگی‌ای که در آنها جریان دارد، بسیار حایز اهمیت است. برخی از آنها امامزاده هستند و به طور طبیعی مورد عنایت مردم، اهالی محل و ادارات و سازمان‌هایی که به نحوی ذینفع هستند، قرار می‌گیرند؛ اما برخی دیگر مدفن و مقبره بزرگان و سرداران و افراد مشهور زمان خویش بوده که به دلیل عدم توانایی در برآورده کردن نیازهای مادی و معنوی افراد منطقه، همچنان مهجور مانده و این‌گونه به حیات خویش ادامه می‌دهند.^۲

به طور معمول در دوره‌های مختلف، آرامگاه‌هایی حفظ و مرمت می‌گردید که نوعی تقدس برای مردم شهر یا حتی مناطق دورتر ایجاد کند. بنابراین مقابری که برای اشراف زادگان یا عوامل غیردینی بنا شده بود از رونق افتاد و توجه خاصی به آنها نمی‌شد.

اصطلاحاتی که برای آرامگاه‌ها بکاربرده می‌شد می‌توانست تا حدودی بیانگر نوع خدمات قابل ارائه به زیارت‌کنندگان باشد. بطور مثال واژه مزار به محل زیارت گفته می‌شد و هیچ‌گاه نمی‌توانست معنا و مفهوم بناهای معماری را منتقل سازد. واژه مشهد اشاره به محل شهادت یا مدفن شهید دارد. بقعه خلاصه شده بقعه‌الخیر یعنی محل کار خیر می‌باشد و بدین دلیل، این محل به عنوان مکان کار خیر معروف شد که در کنار قبور مذهبی، تسهیلات و امکانات رفاهی برای زائرین مهیا بود. این امر کاملاً در وقف‌نامه‌های اماکن آرامگاهی مانند بقعه درویش فخرالدین بابل، بقعه گلما درویش‌ساری، امامزاده رضای نور مشهود است.^۴

اغلب برج‌های مقابر در ایران، در خلال سال‌های ۳۹۰ الی ۵۶۹ هجری ساخته شد. بخش زیادی از این آرامگاه‌ها برای امیران، جنگ‌جویان و سپهسالاران بنا گردید.^۵ اغلب این اماکن دارای پلان چهارضلعی، دایره و... هستند و در نوع پوشش با یکدیگر متفاوت می‌باشند. گاهی گنبدی تیزه‌دار

بر فراز آنها ایجاد گردید، گاه مازهدار و در برخی اوقات نیز به شکل تخت هستند. ما در طول قرن ۹ هجری نوع ساده شده مقابر مورد اشاره در مازندران به شدت رواج یافت و بدین ترتیب پس از این دوره، برج مقبره به شدت سیر نزولی خود را طی نمود و هیچ‌گاه مثل سابق مورد استفاده قرار نگرفت و جای خود را به مقبره‌هایی با گنبد رک داد مانند امامزاده صالح ساری و شمس‌آل رسول‌آمل.

مقابر مورد مطالعه (جداول شماره ۱ تا ۵) مربوط به دوره‌ها و اقلیم‌های مختلف مازندران هستند که عبارتند از:

- ۱- مقبره درویش علم‌بازی بابل
- ۲- برج سرست بابل
- ۳- مقبره درویش فخرالدین بابل
- ۴- مقبره سید کبیر بابل
- ۵- مقبره سید محمد طاهر بابل
- ۶- مقبره امامزاده عباس ساری
- ۷- مقبره آقا شیخ نیکه رزن
- ۸- مقبره سلاطین استندار بلده
- ۹- مقبره ناصر الحق آمل
- ۱۰- مقبره امامزاده جعفر می گوش کجور
- ۱۱- مقبره درویش امیر ناسنگ کجور
- ۱۲- مقبره امامزاده عیسی خندق ساری
- ۱۳- بقعه گلما درویش ساری
- ۱۴- بقعه امیر سید کمال ساری
- ۱۵- مقبره درویش پیر شهریار
- ۱۶- مقبره امیر بابلکانی بهشهر
- ۱۷- مقبره امامزاده صالح مرزورد ساری
- ۱۸- مقبره درویش رستم زانوس اطاقسرا
- ۱۹- برج مقبره ذکریا شکرکوه
- ۲۰- مقبره امامزاده رضای نور
- ۲۱- مقبره خارمیان ساری
- ۲۲- مقبره امامزاده هاشم تیرتاش
- ۲۳- مقبره امامزاده علی اکبر اوسا
- ۲۴- مقبره شاطر گنبد ساری
- ۲۵- مقبره امامزاده عبدالله وانا
- ۲۶- مقبره امامزاده جوانمرد حمزه کهرود
- ۲۷- مقبره امامزاده هشتل علیا
- ۲۸- مقبره امامزاده خضر آمل
- ۲۹- برج مقبره کیا داوود یوش
- ۳۰- مقبره سیف‌الدین چلاو آمل



تاریخ شکل‌گیری مقابر

کشف آثاری از گورهای ساده- دوخانه‌ای، یک خانه به همراه مرده، سردابه‌ای و گورهای خشتی (برای سرداران) در سیلک کاشان، تپه حصار دامغان، تورنگ تپه گرگان، شهر سوخته سیستان، گودین تپه و ... دلایلی بر جهت‌گیری آرامگاه‌ها از دوران پیش از اسلام به سوی شکل‌گیری مناسب‌تر بوده است.

در دوره مادها به دلیل اعتقاد به دین مزدیسنا، مردگان درون دخمه‌های صخره‌ای در اختیار جانوران قرار می‌گرفتند تا استخوان‌های آنها به‌طور کامل پاک گردد. آرامگاه‌های صخره‌ای هخامنشی نیز به تبع آرامگاه مادها (به دلیل ادغام قلمرو مادها به قلمرو هخامنشیان و گسترش محدوده امپراتوری به طرف شمال و دوری از تمدن ایلام و جنوب بین‌النهرین) با همان شکل ساخته شد. آرامگاه‌هایی چون نقش رستم و آرامگاه داریوش - که یکی از دلایل حفظ آنان تاکنون استفاده از نام شاهان اسطوره‌ای و احترام خاص ایرانیان به شاهان افسانه‌ای بوده است - معرف سبک و سیاق ویژه در شیوه ساخت آرامگاه‌ها در ایران پیش از اسلام هستند. هر چند که در این میان می‌توان آرامگاه کورش را از نظر شکل یک استثنا دانست ولی بسیاری از متفکران آنرا آخرین آرامگاه زیگوراتی می‌دانند.

بی‌تکلف و ضد تشریفات بودن پارتیان و دور بودن آنان از سرزمین‌های تمدن قدیم نیز دلیلی بر عدم پیشرفت در ساخت آرامگاه در حدود پنج و نیم قرن حکومت سلوکیان و اشکانیان بود. هر چند که در برخی آرامگاه‌ها نفوذ هنر هخامنشی و در برخی دیگر چون آرامگاه - پرستشگاه کنگاور نفوذ هنر یونانی به چشم می‌خورد ولی ساخت آرامگاه به دلیل اینکه آنان مردگان خود را بر خلاف مادها و هخامنشیان دفن نموده و یا می‌سوزاندند، رشد کافی نداشته و تنها استودان‌هایی از آن دوران باقی مانده است. ساسانیان از برج‌هایی به عنوان آرامگاه استفاده نمودند که با مصالحی چون سنگ و ملات ساخته می‌شد و به آن استودان می‌گفتند. شاید بتوان این‌گونه برداشت کرد که استودان‌های مورد بحث تا حدودی تحت تأثیر استودان‌های زرتشتی (کعبه زرتشت) قرار گرفته و پس از گذشت چند قرن به این شکل درآمدند.

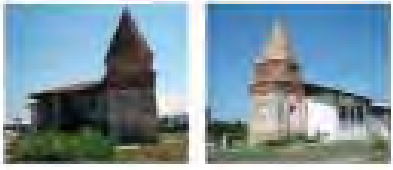





پس از ساسانیان و با آمدن دین مبین اسلام، ساخت آرامگاه به شدت زیر سؤال رفت؛ به طوری که پیامبر اکرم

(ص) فرمودند «بر مؤمنین پسندیده است بر روی قبر هیچ بنایی ساخته نشود بلکه لازم است قبر با زمین به طور کامل هم‌سطح باشد». در آن زمان مسلمانان، بنا به دستور حضرت محمد (ص) باید از هرگونه گریه و شیون، ناله و زاری بر روی مزار مردگان دوری می‌جستند و شدت کار به آنجایی رسید که مدفن مردگان می‌بایست با زمین هم‌سطح می‌گشت و اثری از آن باقی نمی‌ماند (غروی، ۱۳۷۸: ۸۹).

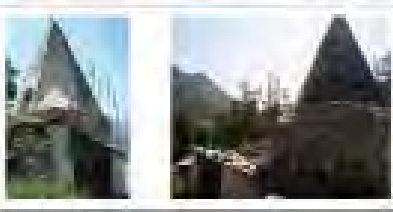




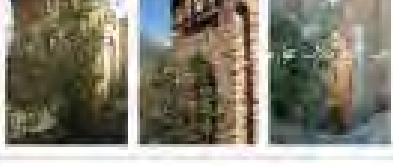
بدین ترتیب در صدر اسلام نمی‌توان هیچ اثری از آرامگاه دید؛ چنانکه پیامبر اکرم (ص) در خانه خود دفن گشتند و بعد از ۷۰ سال قبر پیامبر به دست ولید، خلیفه اموی، بنا گردید. ولی با این حال تا قرن دوم و سوم ه.ق برخی خلفا در داخل خانه‌های خویش دفن می‌شدند. اما در همان سال‌ها با این استدلال که زمین بالای گور سرداران بزرگی که در جنگ‌های مرزی کشته می‌شدند باید از تعرض باد و باران دور باشد، احداث سایه‌بان جایز شد و پس از مدتی قبر اصحاب بزرگ پیامبر نیز به وسیله شاخص‌های چوبی و چادری پوشانیده و به نام قبور سایه‌بانی معروف شد. به هر حال در صدر اسلام، رواج عقیده‌های بنیادی اسلام مانع از آن شد که توسعه آرامگاه‌ها شکل اساسی به خود گیرد. با این وجود و با توسل به بناهای باقی‌مانده از آن زمان، گسترش ساخت آرامگاه را می‌توان از قرن ۴ ه.ق به بعد جستجو نمود (غروی، ۱۳۷۸: ۸۹). در دوره ساسانیان مقبره امیر اسماعیل سامانی، گنبد قابوس و گنبد علی ابرقو ساخته شد که به نظر می‌رسد که هر یک به نوعی از معماری پیش از اسلام الهام گرفته اند. سنیان سلجوقی شکل آرامگاه‌ها را متنوع کرده و ساختاری به نام برج - مقبره را به وجود آوردند که بر ارتفاع گرابی تأکید می‌نمود. در قرن ۸ و ۹ ه.ق ساختمان هشت گوش جسیم و با بام چند وجهی و نمای سه قسمتی، معیار تعدادی از آرامگاه‌های شیعی قم شد؛ مانند مقابر سه‌گانه در باغ سبز که در قرون بعد نیز در نقاط مختلف کشور اجرا گردید. این مقبره‌ها که در قسمت کف دارای فضای وسیع‌تری از برج‌های سلجوقی بودند در طول قرن ۹ ه.ق نوع ساده شده این نوع مقابر در مازندران به شدت رواج یافت مانند امامزاده صالح ساری، شمس آل رسول آمل و زیارتگاه‌هایی که قبور سادات است مانند امامزاده عباس ساری، امامزاده هاشم تیرتاش، امامزاده جوانمرد حمزه و نیز مقابری که مدفن علما می‌باشد مانند مقبره میربزرگ آمل، ناصرالحق آمل، شمس آل رسول آمل، مقبره سیدکبیر بابل در قرن ۹ ه.ق در مازندران ساخته شدند (جداول شماره ۱ تا ۵).







ردیف	نام بنا	موقعیت	تاریخ و دوره ساخت	تصاویر
۱	امامزاده عبدا- وانا آمل	آمل- لاریجان- ونا	قرن ۹ هجری با الحاقات قاجاری و پهلوی	
۲	امامزاده جوانمرد حمزه	آمل- کهرود	دوره قاجار	
۳	برج مقبره هشتل آمل	آمل- محله پایین هشتل	قرن ۹ هجری با الحاقات قاجاری و پهلوی	
۴	امامزاده خضر آمل	آمل- اراضی مصلی	قرن ۹ هجری با الحاقات قاجاری و پهلوی	
۵	برج مقبره کیا داوود بلده	روستای بیش	قرن ۹ هجری	
۶	امامزاده سیف الدین چلاو آمل	آمل- چلاو- روستای گنگر چکلا	قاجار و پهلوی	

جدول ۲. مطالعات تطبیقی مقابر مازندران

ردیف	نام بنا	موقعیت	تاریخ و دوره ساخت	تصاویر
۷	قبرستان علم بازی بابل	بابل	سال ۶۵ هجری با اصفهان مطابقت	
۸	قبرستان بابل	جنوبی بابل	قرن هفتم	
۹	قبرستان فخرالدین بابل	مورچه بابل	قرن هفتم	
۱۰	قبرستان سید کبیر بابل	داخل شهر بابل	دوره ساسانی	
۱۱	سلطان محمدخان بابل	شوشکا و علوم انسانی دانشگاه تبریز واقع شده بابل	۱۶۶۵ هجری	
۱۲	قبرستان شاهان ساری	روستای آژو کله ساری	قرن نهم	







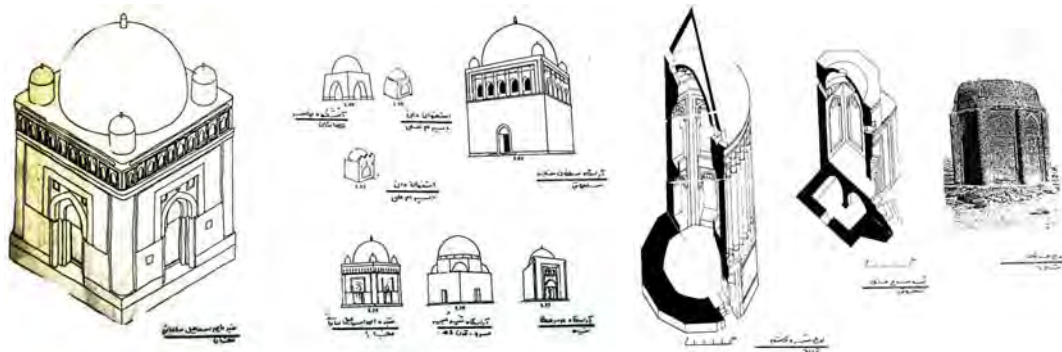
شماره	نام بنا	موقعیت	طرح و دوره ساخت	تصاویر
۱۳	آغا شیخ نیگا، قرن هجدهم	بلده روسلاری، آمل	قرن هجدهم تا الحاقات لاچار و پهلوی	
۱۴	برج مقبره سلطانین استقرار نور یاده (۱۳)	بلده روسلاری، گنوه	قرن هجدهم	
۱۵	برج مقبره سلطانین استقرار نور یاده (۱۳)	بلده روسلاری، گنوه	قرن هجدهم	
۱۶	قاسم الحی آمل	آمل، اوقاف شهید بن	قرن هجدهم	
۱۷	امارت جعفر بن کجور سروده کجور	کجور، بند خیل	قرن هجدهم تا الحاقات لاچار و پهلوی	
۱۸	برج مقبره درویش آمل لشکک لاشکک کجور	کجور، لاشکک اوقاف لاشکک	قرن هجدهم	

ردیف	نام بنا	موقعیت	لیج و دوره ساخت	تصاویر
۱۹	امبارخانه عیسی خندقی ساری	روستای عیسی خندقی از دهستان گدام گنده ساری	قرن ۹میلادی با الحاقات قاجاری و معاصر	
۲۰	بنایه گدام درویش ساری	روستای گدام ساری	قرن ۹میلادی	
۲۱	بنایه امیر سید کمال ساری (امبارخانه عیسی)	داخل شهر ساری	قرن ۹میلادی با الحاقات قاجاری و معاصر	
۲۲	شرویش میر شهریار (ایل سفید)	ایل سفید	قرن ۹میلادی	
۲۳	مقبره امیر باباکنی بهشهر	روستای کوسان بهشهر	قرن ۹میلادی با الحاقات و تجدیدات معاصر	
۲۴	امبارخانه صالح مرز رود	روستای مرز رود ساری	قرن ۹میلادی با الحاقات قاجاری و معاصر	



جدول ۵. مطالعات تطبیقی مقابر مازندران

ردیف	نام بنا	موقعیت	تاریخ و دوره ساخت	تصاویر
۲۵	مسیر درویش روستای زانوش اسفندآباد نوشهر	نوشهر - اسفندآباد	قرن هفتم	
۲۶	برج مقبره ذکریا شکر کوه	قائم شهر، روستای شکر کوه	قاجاری و پهلوی	
۲۷	بقعه امامزاده رضا پور	پور - روستای کجلیله	قرن هفتم تا الحاقات قاجاری و پهلوی	
۲۸	خلربیان ساری	روستای خلربیان ساری	قرن ۹ هجری تا الحاقات قاجاری و معاصر	
۲۹	امامزاده هاشم نیرتاش	روستای نیرتاش بهشهر	قرن هفتم تا الحاقات قاجاری و معاصر	
۳۰	امامزاده علی اکبر ایسا	روستای ایسا ساری	قرن ۹ هجری تا الحاقات قاجاری و معاصر	



تصویر ۱. تصاویری از آرامگاه‌های مربوط به دوره سامانی و سلجوقی

مقبره‌های قرن ۹ و ۸ هجری قمری در مازندران

در دوره تیموری کناره‌های دریای خزر شامل دو ناحیه بود: مازندران در شرق و گیلان در غرب. گنبد کاووس در مازندران به عنوان شهری با راه نظامی، چراگاه تابستانی، زمستانی و مرکز مهم بازرگانی در امتداد نیشابور-گرگان مورد توجه فرمانروایان بود. در این مناطق به دلیل وجود جنگل‌های فراوان، آب و هوای مرطوب و مرداب‌های بزرگ، احداث راه دشوار بود تا اینکه از دوران صفوی به بعد راه سنگفرش ساخته شد. وضع جغرافیایی این مناطق به صورتی بود که سلسله‌های کوچکی در آبادی‌های کوچک، جدا از هم، تشکیل شده بودند و هر کدام منطقه خاصی را تحت سلطه خود داشتند.^۶

تیمور در سال ۷۹۵ ه.ق از جانب مشرق وارد این منطقه شد و پس از غارت شهرهای آمل و ساری، فرمان قتل عام اهالی گرگان و گنبد را صادر کرد. در آن زمان سلسله سادات مرعشی از سال ۷۶۰ ه.ق در مازندران حکومت می‌کردند و تا سال ۹۸۹ ه.ق در آن مناطق فعالیت‌های عمرانی زیادی را انجام می‌دادند. با این حال تیموریان با تصرف مازندران، مقبره قوام الدین را خراب و حاکم آمل را تبعید نمودند (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۲۵۳). ناحیه مازندران دارای صدها روستای کوچک و دهها شهر بود که در این میان شهرهای آمل، اشرف، بارفروش (بابل کنونی)، مشهدسر (بابلسر کنونی)، ساری و استرآباد (گرگان کنونی) از همه مهم‌تر بودند. ساری مرکز سادات مرعشی بوده و دقیقاً در همین دوره در اغلب نقاط مازندران برج‌های آرامگاهی زیادی ساخته شد. توجه و حمایت پادشاهان و درباریان بیشتر بر آرامگاه‌های مذهبی متمرکز بود؛ زیارتگاه‌های قدیمی مورد تعمیر و مرمت قرار می‌گرفت و زیارتگاه‌های جدیدی احداث و اغلب آنها تزیین می‌شد.

مقابر این دوره با پلان‌های مختلف، نشانگر الگوی معماری

آرامگاه‌های دوره تیموری است. مقابری که در این زمان ساخته شده اند اغلب با پلان‌های چهارضلعی، چندضلعی و صلیبی دیده می‌شوند. ساختمان‌های چند ضلعی کمتر از بقیه موارد در معماری آرامگاه‌های قرن ۸ و ۹ ه.ق وجود دارد. مقابر مربع شکل^۷ دارای یک ورودی و نماهای تزیین دار است. البته نمی‌تواند در تزیین با نوع چندضلعی^۸ برابری نماید و لیکن نقطه مشترک اغلب آنها جلوخانی است که به صورت طاق در آرامگاه‌ها وجود دارد.

اعمالی که در مقابر مذهبی (زیارتگاه‌ها) انجام می‌شد موجب آن گشت که فضاهای دیگری نیز در دوره‌های بعدی به هسته اصلی الحاق گردد. در این فضاها انجام اعمالی مثل تلاوت قرآن و ادعیه و اقامه نماز انجام می‌گرفت. فضاهای مذکور از دو قسمت کفش‌کن و زیارت‌خان^۹ تشکیل می‌شد. شکل‌های دیگری چون صلیبی که از ترکیب دو مربع با ورودی‌های چندگانه خود را نمایان می‌سازد، در نیمه آخر دوره تیموری مرسوم شد.

برج مقبره‌ها برای زیارت ساخته شده بود و در بیرون شهر، نزدیک گورستان و در کنار قبرهایی که با سنگ‌های سخت خشن مشخص شده بودند، قرار داشتند. نقشه سقف آنها به شکل عرقچین، مربع، هشت ضلعی و دوازده ضلعی بوده و با مصالحی چون آجر قرمز رنگ ساخته شده و دارای یک نظام انتقالی، بام هر می یا مخروطی شکل بودند.

بلندی یا ارتفاع تنها چیزی است که در این بناها مطرح نیست بلکه بیشتر جسیم بودن و چهارشانی نمایانها مورد تاکید است. در داخل این بناها تزئینات زیادی وجود ندارد بلکه با گچ سفید پوشانده شده است. نبود سردابه ای مشخص در این مقابر بر این نکته تاکید می‌کند که قبرها بر روی کف و بصورت ضریح دار بنا شده بودند. تعدادی از برج‌ها دارای کتیبه هستند ولی مابقی کتیبه ای ندارند تا بتوان تاریخ ساخت آنها را حدس زد. به‌رحال دونالد ویلبر

در مقایسه‌ای که بین مقابر مازندران و آرامگاه‌های گنبد دار ایران به عمل می‌آورد، می‌نویسد:

«برج‌های مازندران یک نوع آرامگاه فرعی کوچک را مجسم می‌کنند و نوع آرامگاه‌های مازندران را می‌توان بازگشتی به سنت‌های قدیمی‌تر دانست یا بازگشتی که جنبه تکرار مکررات را داشته تا جنبه نوآوری. البته این نوع برج‌ها در مقایسه با برج‌های آرامگاهی قدیمی‌تر در مقیاس تقلیل یافته، تزئین آنها ساده شده یا حذف گردیده است و دارای یک نوع خشکی و فقدان تنوع است. بدون شک ساختن این نوع برج‌ها آسان و مقرون به صرفه بوده و عناصر مرکب آن به حدی ساده شده که یک بنا یا نجار عادی می‌توانست به ساختن آن دست یازد» (ویلبر، ۱۳۷۴: ۹۹۵).

مصالح اصلی بکار رفته در کالبد و ساختار مقابر حتی تا عمق چند متری زمین از آجر و پی آنها از سنگ می‌باشد. آجرهایی که در این بناها به کار رفته است اندازه‌های متفاوتی دارد و آنهم شاید به این دلیل است که علاوه بر آجرهای استاندارد کوره‌ها، از آجرهای خرابه‌های نزدیک به بنا نیز استفاده شده است.

آجرهای به کار رفته در بدنه دیوارها با اندازه‌های (۲/۵ × ۱۵ × ۱۵)، (۲/۵ × ۱۶ × ۱۶)، (۳/۵ × ۱۸ × ۱۸)، (۲/۵ × ۱۷ × ۱۷)، (۲/۵ × ۱۲ × ۱۲)، (۲/۵ × ۱۲ × ۱۲)، (۲/۵ × ۱۱ × ۱۱)، (۲/۵ × ۱۷ × ۱۷)، (۲/۵ × ۱۹ × ۱۹)، (۵ × ۲۴ × ۲۴) سانتی‌متر بودند.

البته آجرهایی با اسامی محلی مازندرانی نیز در ساختار مقابر مازندران استفاده شده است که عبارتند از اندازه‌های: (۳ × ۱۵ × ۱۵) سانتی‌متر به نام آجر بگمی^{۱۰}، (۵ × ۱۲ × ۲۵) سانتی‌متر به نام آجر نیمه و (۴/۵ × ۱۵ × ۱۰) سانتی‌متر به نام آجر خی کلفت.^{۱۱}

ملات بکار رفته در بناها نوعی ترکیب محلی به رنگ خاکستری می‌باشد که از موادی چون (آهک گرم + سبوس + دوده آهه^{۱۲} + گل رس + ماسه بادی + آب) ترکیب یافته است. البته در بندکشی نیز از ملاتی به نام گرزمال^{۱۳} استفاده می‌شد. این ملات به راحتی در مقابل رطوبت مقاوم است و از ترکیباتی چون (سبوس + گیاه گرزمال + آهک + آهه + آب) تشکیل شده که باید به طور کامل ورز داده شود. لازم به ذکر است که در مرمت این بناها از آجر فشاری و ملات سیمان نیز استفاده می‌کردند.^{۱۴}

البته در بررسی مصالحی که در نمای داخلی به کار می‌رفت، باید تحقیقات وسیعی و جداگانه‌ای به عمل آید؛ اما با توجه به مشاهدات کنونی به نظر می‌رسد صحن اصلی برخی مقابر از کاشی بوده‌است. هم‌اکنون تنها در برخی نقاط و در ارتفاع

۱/۵ تا ۲ متری از زمین با این کاشی‌ها مواجه هستیم و مابقی کاشی‌ها در دوره‌های مختلف از تاریخ مقابر حذف شده‌اند. اگر علاوه بر کاشی‌کاری استفاده از گچ در نماها نیز تداول داشته، این گچ از نوع محلی بوده است.

آجرهای لعابدار نیز به رنگ‌های مختلف (اکر، آب، فیروزه‌ای و سفید) و در اندازه‌های متفاوتی چون (۶ × ۶)، (۱۲ × ۶) و (۶ × ۶) سانتی‌متر در مقابر به کار می‌رفت. در قسمت سقف و بر روی پشت بام از آجر، گالی، ورق‌های حلبی برای پوشش در برخی مقابر استفاده شده و چوب نیز در نعل درگاه‌ها، ضریح مقبره و به‌عنوان در و پنجره در بناها مورد استفاده قرار گرفته است.

مقابر مازندران در قرن ۹ هجری قمری دارای تزیینات^{۱۵} زیادی نسبت به سایر بناهای دوره تیموری نیستند. شاید بتوان گفت تمام تزیینات - هر چند اندکی - که وجود دارد تنها در عناصری چون ریتم و تکرار خلاصه می‌شود و کاسه‌سازی‌ها تنها اشکالی هستند که به‌طور مداوم در سطوح خارجی بنا تکرار می‌گردند و کتیبه‌هایی با کاشی‌های فیروزه‌ای نیز در کنار آنها به آرامی جای می‌گیرند.

مفاصل نیز نمای مقابر را به چند قسمت تقسیم نموده و گوشه‌ها را تقویت می‌نمایند. نمای مقابر تا زیر کاسه‌سازی‌ها، از بیرون نوعی گچ شیرهای محلی را پذیرفته‌اند و از قسمت کاسه‌سازی به بالا، شاهد هنر آفرینی آجرها تا قسمت ساقه هستیم. در داخل بناها نیز شاید بتوان از رف‌های متعددی که ایجاد شده است به‌عنوان تزیین نام برد اما اشکال کوچکی نیز به‌طور دایم در مرحله انتقالی دیوارهای مماسی به گنبد داخلی تکرار می‌گردند. در گنبد‌های داخلی که نوعی عرف‌چین را معرفی می‌کند، در چند ردیف جداگانه، کاسه‌ها روی هم قرار می‌گیرند تا کلاهک انتهایی گنبد با سیستم دورچین بنا گردد. به‌هرحال می‌توان از گچ، آجر، کاشی به‌عنوان مصالح غالب در تزیین مقابر مازندران نام برد (تصویر ۹).

نمونه موردی: معرفی مقبره شمس آل رسول آمل

هر بنایی که در شرایط متفاوت زمانی و مکانی ساخته می‌شود، پس از مدتی تغییراتی را در درون و بیرون خود پذیرا خواهد شد. این تغییرات می‌تواند علل گوناگونی چون آسیب‌های انسانی و حکومتی، تحول فضایی - مکانی و همچنین عوامل طبیعی و اقلیمی داشته باشد. بنای شمس آل رسول نیز از زمانی که پا به عرصه وجود گذاشته، در دوره‌های مختلف دستخوش تغییراتی بوده‌است. عوامل یاد شده نیز در تغییرات دوره‌ای آن تاثیر داشتند.

در محرم سال ۱۲۸۳ ه.ق (تصویر ۲)، ترک‌های عمیقی بر روی نما قرار دارد و گنبد رک دیده نمی‌شود و گیاهان و درختچه‌هایی بر روی کوه‌ها خودنمایی می‌کنند.

به‌رحال بنای مزبور با تخریب‌های اشاره شده، در ادوار مختلف به حال خود رها گشته بود تا پیش از انقلاب توسط انجمن آثار ملی، استحکام بخشی شده و مورد حفاظت اضطراری قرار گرفت. بخشی از دیوار محوطه نیز در خلال تعمیرات و قسمت‌های دیگر آن در اثر عوامل انسانی و اقلیمی از بین رفته‌است. البته قسمت بزرگی از این تخریب‌ها در سال ۱۳۸۰ و توسط اهالی محل به علت اعتراض مبدل شدن محوطه بنا به جایگاه معتادان انجام شد. عملیات اجرایی پس از وقفه‌ای چند ساله در سال ۱۳۸۶ نیز در بنا از سر گرفته شد و هم اکنون نیز در حال انجام است (تصویر ۹).

علاوه بر تغییرات کالبدی اشاره شده، در متون مختلف بنای شمس آل رسول، به اشتباه شمس طبرسی نامیده می‌شود. دمرگان (ستوده، ۱۳۶۶: ۵۱)، دونالد ویلبر (۱۳۷۵) نیز در نوشته‌های خود از این بنا به نام شمس طبرسی و گنبد گبری یاد می‌کنند در صورتی که بنای مورد نظر، شمس آل رسول نام دارد.

بنایی^{۱۶} که در حال حاضر به عنوان مقبره ناصرالحق شناخته می‌شود، بنای شمس طبرسی واقعی است. بنای ناصرالحق به طور ناگهانی فرو ریخت و مدیران وقت اداره میراث فرهنگی مازندران به دلیل پیگیری دولت یمن برای مرمت مقبره جدشان (ناصرالحق یمنی) به ناچار بنای شمس طبرسی را مقبره ناصرالحق خواندند.

بنابراین در شهر آمل، به اشتباه مقبره شمس آل رسول، مقبره شمس طبرسی خوانده شده و مقبره شمس طبرسی، مقبره ناصرالحق نامیده می‌شود و در این حلقه‌های سه گانه،

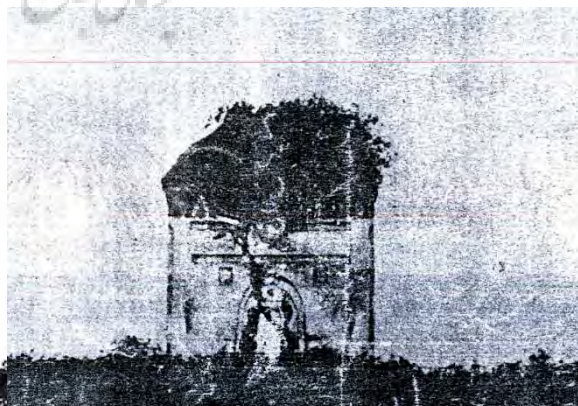
این بنا در قرن ۹ هجری قمری در اراضی گنبد بن آمل بنا شده و یکی از عناصر هویت‌دهنده این محله به‌شمار می‌رود. بخش‌های شمالی و غربی محله دارای بافتی باز و بخش جنوبی دارای بافتی پیچ در پیچ و کم‌عرض می‌باشد و شاید بتوان دو خیابان شهید بهشتی (جبهه شرقی) و خیابان طالب آملی (جبهه غربی) را بهترین الگوی دسترسی به این قسمت از شهر برشمرد.

به نظر می‌رسد در ترکیب اصلی بنا، چهار درگاه جای دارد که سه درگاه آن بسته و درگاه دیگر، تنها نوعی ورودی را معرفی می‌کند؛ ولی با توجه به مستندات تاریخی، درگاه اصلی به طرف شمال بوده و درگاه‌های کوچکی نیز در طرف شرق و غرب وجود داشته‌است. درگاه جنوبی نیز به علت هم‌جهت بودن با قبله، بسته شده بود (تصویر ۳).

مطالب بالا به طور کامل در ترسیماتی که از دمرگان (تصویر ۳) و دونالد ویلبر (تصویر ۶) باقی مانده، مشهود است. در این پلانها، هر چند خطای ترسیم دیده می‌شود اما نمی‌توان انتظار داشت یک درگاه در ابعادی بزرگ از نظر دوربماند و یا کاستی و افزونی آن مورد تردید قرار گیرد.

تغییر دیگری که در نگاه اول جالب به نظر می‌رسد، عدم وجود گنبد رک در این بناست (تصویر ۲). به نظر می‌رسد این گنبد در اثر زلزله‌ای که در سال ۲۳-۱۲۲۲ ه.ق اتفاق افتاده، ویران و در اثر عوامل جوی و اقلیمی بر آسیب‌های آن افزوده شده‌است.

استاد محمودی، استادکار میراث فرهنگی می‌گوید: «در گذشته می‌گفتند سرش را بشکن، مغزش را بخور. مغز کنایه از گنج است». به نظر او گنبد رک در اثر عوامل انسانی ویران شده تا گنجی که در داخل گنبد پنهان است، پیدا گردد! در اولین سند تصویری مربوط به دوره ناصرالدین شاه



تصویر ۲: تصاویری از مقبره شمس آل رسول از دوره ناصرالدین شاه و ترسیمات دمرگان (ستوده، ۱۳۶۶)

همواره یک حلقه مفقود است.

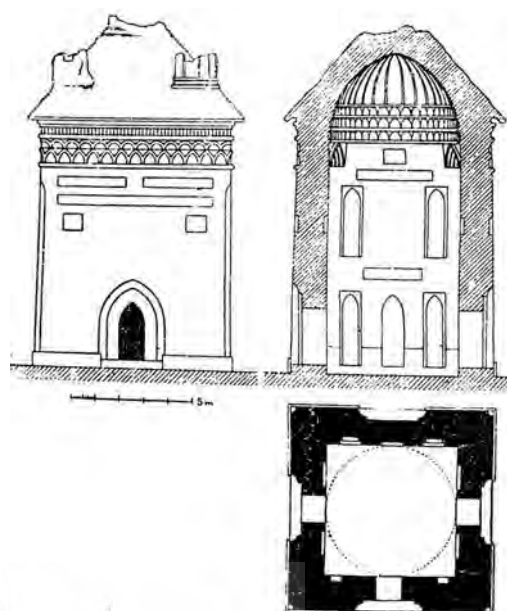
ابن اسفندیار درباره شمس آل رسول می‌نویسد: «السید شمس آل رسول فقیه و صاحب حدیث و از جمله نساک و عباد هنوز (۶۰۶ ه.ق) تربت او برقرار است و مشهد معمور و مزار مشهور به محله عوامه کوی بر در دروازه آمل» (ستوده، ۱۳۶۶: ۴۸). مولف این کتاب در جای دیگر چنین می‌نویسد: «قاضی هجیم زاهد و عالم و تربت بر در مشهد آل رسول به محله عوامه کوی»

ملگنوف به اشتباه، گنبد شمس آل رسول را گنبد شمس طبرسی می‌نامد و می‌نویسد. «گنبد شمس طبرسی دارای دو پوشش بوده که یک پوشش آن در اثر زلزله ویران شد» (ستوده، ۱۳۶۶: ۴۹).

ستوده می‌نویسد: «در طوماری که در زمان صفویان نوشته شده است شمس آل رسول به نام امامزاده شمس آل رسول خوانده شده و تولیت آن را به مولانا علی آملی واگذار کرده‌اند» (ستوده، ۱۳۶۶: ۵۱).

در کتاب بناهای آرامگاهی در باره مقبره شمس آل رسول آمده است: «بنا، برجی چهارضلعی و آجری است. طول هر ضلع از بیرون ۴/۴۵ و از درون ۲/۹۲ متر است. بر روی هر یک از ضلع‌های چهارگانه یک طاق نما با یک قاب مستطیل در زیر تیزه قوس قرار دارد. قاب‌های مزبور جهت اجرای عناصر تزئینی مانند کاشیکاری و کتیبه نویسی ایجاد شده است» (عقابی، ۱۳۷۸: ۵۱).

یک گیلویی به صورت حاشیه فرورفته در بالای طاق نماها، نمای برج را از حالت یکنواختی بیرون آورده است. در فاصله بین گیلویی و گردنی گنبد، سه ردیف قطار بندی آجری به



تصویر ۳. نقشه های مقبره شمس آل رسول از ترسیمات دمرگان (ستوده، ۱۳۶۶)



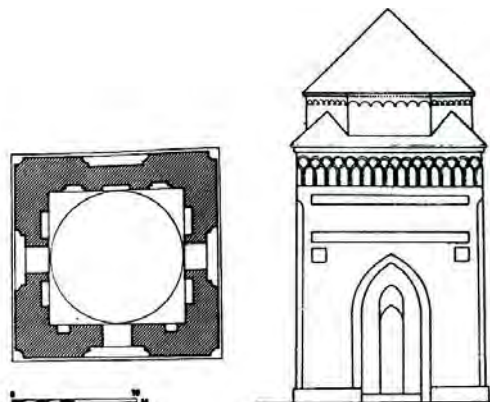
تصویر ۴: تصویر مقبره شمس آل رسول در سال ۱۳۵۶ (ستوده، ۱۳۶۶)



تصویر ۵. تصویر نمای داخلی و موقعیت مقبره شمس آل رسول در سال ۱۳۵۶ (ستوده، ۱۳۶۶)



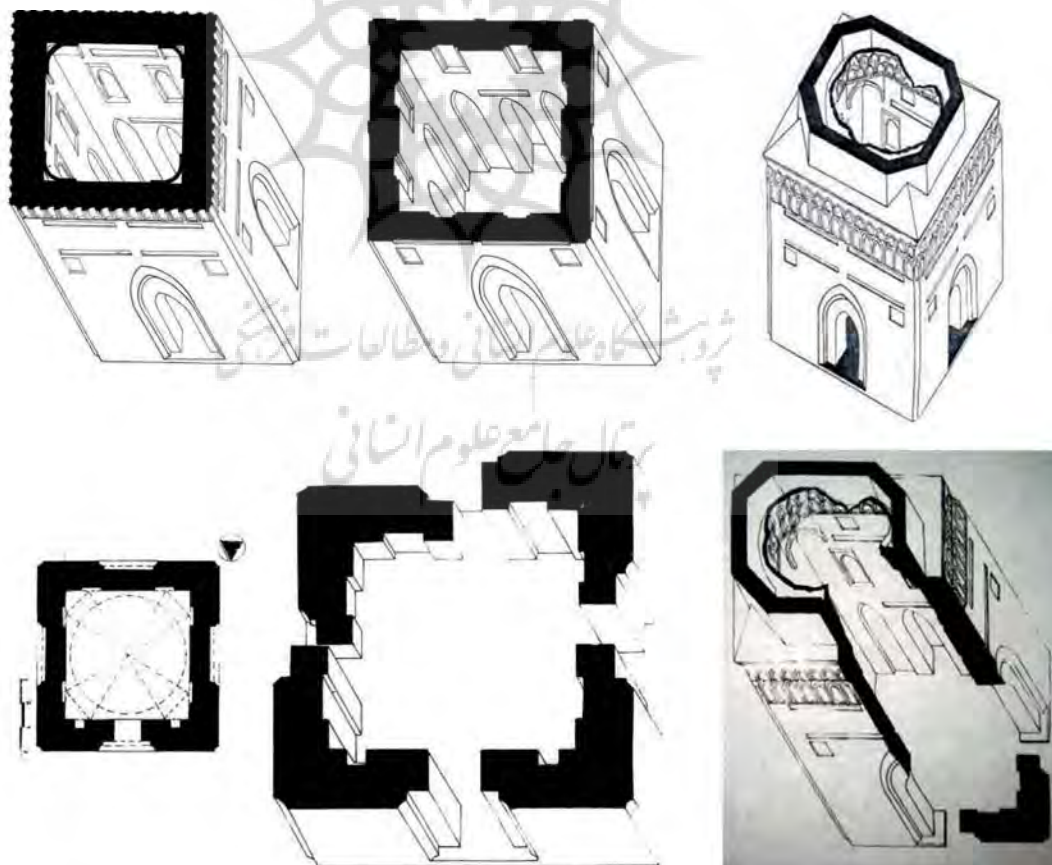
تصویر ۷. برداشت و مطالعه ترسیمی مقبره شمس آل رسول (راعی، ۱۳۷۹)



تصویر ۶. نقشه مقبره شمس آل رسول (ویلبر، ۱۳۷۵: ۹۹۵)

که در چهار ضلع آن، چهار حجم مثلثی شکل جای گرفته که گنبد هرمی بر فراز آن استوار می‌شده است. در نمای داخلی در وسط هر ضلع، یک قاب مربع ساده دیده می‌شود. در بالای برج در گوشه‌ها، چهار تریب ایجاد کرده‌اند که به یاری آنها طرح چهارضلعی به هشت‌ضلعی تبدیل شده است.

صورت قاشقی، هلالی و تیغه‌ای در سه ردیف مقرنس‌بندی روی هم اجرا شده است که مقرنس ردیف دوم دارای قطعات کاشی ساده سبز رنگ است ولی تنها چند قطعه از آن بر جای مانده است. در بالای قطار مقرنس، بر روی یک ردیف آجرکاری پیش آمده، گردنی هشت وجهی گنبد قرار دارد



تصویر ۸. برداشت و مطالعه ترسیمی مقبره شمس آل رسول (راعی، ۱۳۷۹)

آل رسول از فقهای قرن ۹ هجری می‌دانند» (تصاویر ۵ و ۸).
بنای مزبور در تاریخ ۵۴/۳۳۰ با شماره ۱۰۵۷ در فهرست
آثار ملی به ثبت رسیده و حریم آن نیز در تاریخ ۸۴/۲/۲۷
تصویب شده است.

بر روی این پایه، ساقه گنبد با دو ردیف مقرنس آجری به
ارتفاع یک متر بر پا گردیده که از روی آن پوشش کم‌خیز
گنبد آغاز شده است. نکته جالب در بنای این برج، کاربرد
آجرهایی به ابعاد مختلف است. برج مزبور را آرامگاه شمس



تصویر ۹. برداشت و مطالعه ترسیمی و تصویری مقبره شمس آل رسول (راعی، ۱۳۷۹)

نتیجه گیری

موضوع مقابر مورد مطالعه به دلیل نوع زندگی که در آنها جریان دارد، بسیار حایز اهمیت است. برخی از آنها امامزاده هستند و به طور طبیعی مورد عنایت مردم، اهالی محل و ادارات و سازمان‌هایی که به نحوی ذی‌نفع هستند، قرار می‌گیرند. اما برخی دیگر مدفن و مقبره بزرگان و سرداران و افراد مشهور زمان خویش بوده که به دلیل عدم توانایی در برآورده کردن نیازهای مادی و معنوی افراد منطقه، همچنان مهجور مانده و این‌گونه به حیات خویش ادامه می‌دهند.

همه مقابر، جدا از دسته‌بندی اشاره شده، دارای آسیب‌های مشابه هستند. رطوبت در اثر عوامل اقلیمی و جوی، شایع‌ترین نوع آسیب در این بناها است و الحاقات مختلف در اثر عوامل انسانی در ردیف بعدی عوامل آسیب‌رسان قرار می‌گیرد. مابقی آسیب‌ها سطحی بوده و قابل برگشت است. اما تعدادی از مقابر (مدفن بزرگان و...) به دلیل بی‌توجهی دچار آسیب‌های ساختاری شدیدی شده‌اند.

روش برخورد برای حفاظت و مرمت آنها بسیار مهم است و باید گزینه‌های رفع خطر و ساماندهی با توجه به مطالعات تطبیقی مورد توجه قرار گیرد. لازم است مقابر، کاربری گذشته خود را داشته باشند و شبستان‌ها و نمازخانه‌ها با حذف الحاقات نامناسب عصر حاضر، در جای خود تثبیت گردند. در بسیاری از مقابر مانند امامزاده یحیی ساری و امامزاده عبدالله وانا، به طرز نادرستی از مصالح، مبلمان و تاسیسات گرمایش و سرمایشی استفاده شده است که باید حذف گردد.

تعدادی از مقابر مانند کیاداوود یوش، سلاطین استندار یک و دو و لاشک دارای مدارک تصویری کافی برای بازسازی خطوط اصلی نیستند و به ناچار باید از مطالعات تطبیقی مقابر اطراف برای بازخوانی استفاده گردد. سعی شود از دخل و تصرف نادرست در بناها پرهیز گردد و بدنه‌ها و ساختار بر طبق ضوابط و مقررات موجود، استحکام بخشی و مرمت شوند. الحاقات قابل برگشت باشد و به هسته اصلی بنا خدشه ای وارد نگردد و اصالت تاریخی بناها حفظ گردد.

مقبره شمس آل رسول نیز به سان مقبره‌های دیگر یاد شده، دارای ارزش هنری، تاریخی و معماری بوده که به عنوان یکی از یادمان‌های شهری از آن یاد می‌شود. در این مورد می‌توان با مرمت و بازخوانی خطوط اصلی، این بنا را به تعادل ساکن رساند و در مرحله بعدی نسبت به ایجاد تعادل پویا اقدام نمود. محوطه سازی و ایجاد بستر فرهنگی جهت آرایه به عموم مردم با ساختار کالبدی مناسب و سازگار با محیط می‌تواند بخشی از اقدامات قابل انجام در راه رسیدن به تعادل پویا در مقبره شمس آل رسول و مقابر دیگر مازندران باشد.



پی نوشت

- ۱- این فضا به عنوان نمازخانه در دوره قاجار به اغلب مقابر اضافه گردید. مانند مقابر امامزاده رضای نور، امامزاده هاشم تیرتاش، امامزاده عبدالله وانا و امامزاده علی اکبر اوسا ساری.
- ۲- اراضی گنبد بن یکی از محلات قدیمی آمل است که در شمال بافت تاریخی شهر قرار دارد و مقبره شمس آل رسول در آن جای گرفته است (رجوع شود به تصویر ۵).
- ۳- تعدادی از مقابر که مدفن امامزادگان نیز هست، تحت پوشش اداره اوقاف و امور خیریه قرار گرفته و به طرز نامناسبی نوسازی می شوند (مقبره خضر آمل و امامزاده جوانمرد حمزه کهرود) و برخی دیگر بدلیل ماهیت تاریخی شان توسط سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مورد حفاظت و مرمت قرار می گیرند (مشهد میربزرگ آمل و شاطر گنبد ساری) و بعضی از مدفن ها نیز که در نقاط صعب العبوری ساخته شده اند، توسط اهالی محل تعمیر می گردند (مدفن امامزاده سجادین محمد ایوا و امامزاده ابراهیم تیرستاق). تعداد کمی از مقابر پیش از اسلام که تا حدودی مخروبه شده اند، به همان وضعیت به حال خود رها گشته اند (مقبره سلاطین استندار یوش).
- ۴- دونالد ویلبر در کتاب معماری تیموری در ایران و توران، زیارتگاه ها را بسته به شخصیت مذهبی ای که به یاد وی، بنا ساخته شده است، به چندین دسته تقسیم می کند:
اول زیارتگاهی که به اصحاب پیامبر و خویشاوندان او منسوب است. دوم زیارتگاههایی که قبور سادات است، این نوع آرامگاه ها به تعداد بسیاری در قم و مازندران قرن ۹ هجری وجود دارد و به درستی مشخص نیست که آیا این اشخاص همان شخص حقیقی در ذهن مردم هستند یا نه؟ دسته سوم را علما، مدرسان، فلاسفه، شعرا و ... تشکیل می دهند که مریدان و شاگردان آنان برای استادان خویش بناهای یادبود برپا می کردند؛ بطور مثال در تربت جام و مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی.
با این حال در دوره تیموری فقط قبر یکی از شیوخ صوفی شیعه مذهب (شاه نعمت ... ولی) به صورت آرامگاهی در ماهان بنا شده است. نکته جالب در مورد زیارتگاه های تیموری این است که در این دوره هنوز از قدمگاه خبری نیست. این واژه که در دوره صفوی به شدت رواج یافت، به طور معمول به اثر پایی گفته می شود که بر سنگ نقش بسته است. شیعیان این اثر پا را منسوب به حضرت علی (ع) می دانند.
- ۵- طبرستان به علت نزدیکی با سرزمین و دولت پارت تا انقراض اشکانیان تحت استیلای دولت اشکانی قرار داشت. مازندران که از نظر جغرافیایی بخش بزرگی از طبرستان بود، در حوالی سده هفتم ه. ق به طبرستان تغییر نام یافت. سلسله های مشهوری که سرزمین مازندران را در اختیار داشتند، آل قارن ۵۰ سال قبل از هجرت تا ۲۲۴ ه. ق (شامل سلسله گاوباره، پادوسپانان، باونداسپهبدان، آل وشمگیر یا آل زیار. اسپهبدان باوند مهمترین آنها بوده اند)، طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، تیموریان، صفویان بودند. سلسله قاجار نیز این منطقه را به عنوان ایالتی از ایران در اختیار داشت و مقابر زیادی در این دوران ها ساخته شد.
- ۶- هیلن براند، رابرت، ۱۳۷۷: معماری اسلامی (فرم- معنی- عملکرد)، ترجمه دکتر ایرج اعتصام، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، چاپ اول.
- ۷- مانند مقبره کیا داوود یوش و ناصرالحق آمل.
- ۸- مانند مقبره شیخ نیکه رزن، مقابر سلاطین استندار بلده، مقبره سلطان محمد طاهر یابل و امامزاده عبدالله وانا.
- ۹- اغلب مقابر مازندران دارای دو فضای مذکور می باشند.
- ۱۰- bagemi
- ۱۱- این اطلاعات در گفتگو با یکی از معماران بومی مازندران به نام آقای احمد محمودی جمع آوری شده است.
- ۱۲- آهه گیاهی است که بصورت خودرو در باغات و بر روی خرابه های قدیمی می روید.
- ۱۳- گرزمال گیاهی است که در آب های راکد شالیزارهای برنج می روید و هر ساله در ماه بهمن آنرا برداشت و خشک می نمایند.
- ۱۴- گفتگو با آقای احمد محمودی (معمار محلی)
- ۱۵- یکی از عناصر مهم دیگر در تزیینات این دوره، رنگ است که به طور کامل یکپارچگی و وحدت را بر تزیینات مستولی می سازد. با دیدی دقیق تر می توان آبی را رنگ مسلط کاشی های مقابر این دوره دانست. دلیل آن را خاصیت جادویی این رنگ دانستند. مینیاتورهای دوره تیموری نیز دارای رنگ آبی است و فراوانی آبی در ظروف چینی نیز به خاطر فراوانی مواد خام معدنی آن بوده است. رنگ آبی در واقع مخلوطی از اکسید کبالت و لعاب شیشه ای بود. آبی روشن از یک نوع ترکیب مس به دست می آمد و ترکیب

مس با آهن رنگ آبی متمایل به سبز (فیروزه ای) به دست می‌دهد. به هرحال تجمل، زیبایی و تزیینات موارد عمده نمایش عظمت و شأن عالی بانی مقابر بوده‌است.
۱۶- اطلاعات مربوط در جریان گفتگوی دوستانه با مرحوم منوچهر واحدی، نگهبان آثار تاریخی شهر آمل به دست آمده است.

منابع

- اسلامی، حسین (۱۳۷۳). *جغرافیای تاریخی ساری*. ناشر مولف. ساری.
- سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور (۱۳۸۶) معاونت حفظ و احیاء، گروه تعیین حریم سازمان، فهرست بناهای ثبت شده استان مازندران.
- ستوده، منوچهر (۱۳۶۶). از آستارا تا استرآباد. جلد چهارم. تهران: نشر آگه.
- راعی، حسین (۱۳۷۹). *مطالعه آزاد مقبره شمس آل رسول*. منتشر نشده.
- کیانی، یوسف (۱۳۸۳). *معماری دوره پهلوی اول*. تهران: موسسه تاریخ مطالعات ایران.
- گفتگو با آقای احمد محمودی (معمار سنتی) و آقای منوچهر واحدی (نگهبان مراقب آثار)، دوازدهم اسفند ۱۳۷۹.
- عقابی، محمد مهدی (۱۳۷۸). *بناهای آرامگاهی*. چاپ دوم. پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- ماسترودی، کاذا (۱۳۷۸). *عدم تعادل‌ها*. ترجمه باقر آیت ا. زاده شیرازی. جزوه درسی.
- وفایی، شهربانو (۱۳۸۱). *سیمای میراث فرهنگی مازندران*. تهران: میراث فرهنگی.
- ویلبر، دونالد؛ گلمبک، (۱۳۷۴). *معماری تیموری در ایران و توران*. ترجمه کرامت ا. افسر و محمد یوسف کیانی.
- سازمان میراث فرهنگی کشور. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- هیلن براند، رابرت (۱۳۷۷). *معماری اسلامی (فرم- معنی- عملکرد)*. ترجمه دکتر ایرج اعتصام. شهرداری تهران. انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Receive Date : 5/23/2011
Admission Date : 8/6/2011

Analysis of Tower-Burial Sites during 8th and 9th Centuries (AH) in Mazandaran Province.

Case study: Introduction of Shams-e all-e Rasoul Tomb, Located in Amoul City
Hossein Raie *

Abstract

The subject of this paper is the title of a field research which has studied more than 30 tombs during past decade. The main aim of this paper is comparative study and also achieving to a proper theory of conservation and restoration for tombs in Tabarestan. Research team found out important result after many research and documentation. These results can be practical in conservation and restoration of such relics. These buildings are located in vastness of west to east of Tabarestan region (today, Mazandaran province), in a mountain and forestial climate. These structures belong to the political and religious history of the region, especially 14th and 15th century (8th and 9th Hejryghamary). The names of these buildings have been mentioned in different documents. Many of them are tombs of descendants of Shia Islamic Imams. Local people also have built other tombs for their own ancestors some of which have survived. In Safavid dynasty, Shia spread out through the country and tomb architecture became specifically related to religious figures. In this time many tombs were built for leaders, instead of religious tombs. In Qajar dynasty many of these tombs in Mazandaran were renovated, rehabilitated and extended in size. After Qajar dynasty, and in Pahlavi dynasty, renovation and rehabilitation of such structure continued without following any specific architectural method. Shams-E all-E Rasoul in Amoul city is a unique sample of such structures in mentioned region. This structure is located in Amoul city Gonbadein territory. Similar to other tomb structures, the mentioned tomb is a subject of natural and human damages and has undergone some renovation. Finding a unity theory in order to achieving a lively balance in such tombs are a part of results in this paper.

Key words: Burial sites in Mazandaran, Teymouri period, 8 and 9 century burial sites, brick material and Andoodgachi, Shams-e All-e Rasoul thumb

* MA in Conservation and Renovation of Historical Sites, Manager of Biseton World Heritage site, Vice of ICHHTO of Kermanshah Province, Iran.
hoseinraie@gmail.com